

www.ketab.ir

دوستی و محبت

دوستی و محبت

دوستی و محبت

پس از آنکه در (عمره بن عبدالمطلب) و بیعت اود که بر سر ایشان
 و ادب کوهش در پیشه و ادب بر سر مقام و ملکوت و بیعت چو
 است یافت پس از آنکه بر سر ایشان و بیعت اود که بر سر ایشان
 که در درجه و بیعت اود که بر سر ایشان و بیعت اود که بر سر ایشان

ابوعلی

(با دیدن علو زیاده)

سرشناسه: مجتبی قدسی، ۱۳۶۶
 واحد پژوهش و تدوین انتشارات خسرو خوبان

تهران، خسرو خوبان چاپ اول، ۱۳۹۹

۲۵۶ ص، شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: خاتم. صحاف: صداقت

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

شابک: ۳ - ۹۶۵۲۵۰ - ۶۲۲ - ۹۶۸

موضوع: اسلام و آموزش و پرورش Islamic education

موضوع: احادیث اخلاقی Hadiths - Ethics

موضوع: اخلاق اسلامی Islamic Ethics

رده بندی کنگره: ۲۳۰/۱۸ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۷

کتابشناسی ملی: ۵۹۸۳۶۵۱

*

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

مراکز پخش: آفاق ۲۲۸۴۷۰۳۵ - منیر ۷۷۵۲۱۸۳۶ - نیک معارف ۶۶۹۵۰۰۱۰

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۵	بخش اوّل: گوهرِ علم
۱۷	شکوه علم
۱۷	در پرتو آیات
۲۱	در پرتو روایات
۳۷	لازمترین علم
۴۰	علم از نظر رسول خدا
۴۱	علم عقاید و معارف الهیّه
۴۵	واپسین لحظات عُمر، و رأفت محمدی صلی الله علیه و آله
۵۳	درنگ و تأمل
۶۰	عالمِ فریب خورده از شیطان
۶۳	بخش دوم: آدابِ دانش پژوهی
۶۵	ضرورت ادب
۷۵	۱- پاک ساختن دل از آلودگی ها و هوای نفس
۷۹	۲- دوری از گناه
۸۵	۳- پرهیز از معاشرت های نادرست
۸۹	۴- پرهیز از خودبینی، خودنمایی و خودرایی

۹۳	۵- پرهیز از پُرخوری و غذایِ حرام
۱۰۱	۶- تقابل دانشوری و دنیامداری
۱۱۳	۷- اغتنام فرصت‌ها
۱۲۱	۸- مداومت بر تحرّک و کوشش علمی
۱۲۵	۹- همت و والایی‌گرایی
۱۳۱	۱۰- حلم و شکیبایی
۱۳۹	۱۱- اِلاص در فعل
۱۵۱	۱۲- رِامان بودن علم صائب و عمل صالح
۱۶۱	۱۳- رعایت اهمّات و مراتب علم
۱۶۵	۱۴- شناسایی منابع حقیقی علم در عصر غیبت امام عجله‌الله
۱۶۵	الف: قرآن
۱۷۳	ب: عقرت
۱۸۹	۱۵- انتخاب استاد
۱۹۳	۱۶- بزرگداشت مقام استاد
۱۹۷	نمونه‌ای از ادب شاگرد و استاد
۱۹۹	دعای پیش از حضور در مجلس درس
۲۰۱	۱۷- نگارش درس و بیانات استاد
۲۰۷	۱۸- پناه‌جویی از شرّ شیطان
۲۱۹	۱۹- شب خیزی و تلاوت قرآن
۲۳۳	۲۰- دعا و طلب توفیق از خداوند
۲۴۵	۲۱- توسّل به ائمه اطهار علیهم‌السلام
۲۵۱	فهرست منابع

پیشگفتار

مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ، عَلَّمَهُ اللَّهُ مَا لَمْ يَعْلَمْ^۱
 هر کس به هر چه می‌داند عمل نماید
 خدا به او یاد می‌دهد، آنچه نمی‌داند.

تاریکی و ظلمت ذات و ماهیت تمامی آفرینش است. حقیقتِ نفسِ انسان نیز که «مُظْلِمٌ^۲ الذَّاتِ» است و در نگاه^۳ تاریک و ظلمانیِ جهل و نادانی گرفتار، نیازمند نوری است که در پرتو آن، خود و دیگر حقایق هستی برای وی، منور گشته و به صورتی روشن جلوه‌گر شوند.

این پدیدهٔ مقدس «نوری الذَّاتِ» که همهٔ حقایق به او مکشوف می‌گردند، «نور علم» نام دارد و آدمی به برکتِ واجد شدنِ آن عالم می‌شود.^۴

هر چند نور علم، معرفی است که جز به خود معرفت واقع نمی‌شود، لیکن برخی مکاتب بشری با ارائهٔ تعریف‌های متعدّد، و تقسیم آن به دو گونهٔ حصولی و حضوری، به توصیف و تبیینِ چیستی «نور علم» نشستند! حال آنکه با اندک تأملِ وجدانی و ژرف‌نگری، می‌توان دریافت که نور علم، مزهٔ آن است که با مجموعه‌ای از صفات که در راهگشایی به سوی معلومات‌کار سازند، توصیف شود.^۵

۱. بحار الانوار؛ ج ۷۵، ص ۱۸۹.

۲. «أَظْلَمَ»، فعل لازم است و «مُظْلِمٌ» به معنای تاریک - و نه تاریک‌کننده - می‌باشد.

۳. گودال.

۴. کُنه و ماهیت انسان، «ظلمانی محض و غیر قابل اشاره» است، ولی با پذیرش نور وجود، پیش از تملیک نور علم، منور گردیده و ظلمانی نیست. هر چند این نور، متناسب با حدود کمالی وی، متغیّر است.

۵. اگر ذات علم نور باشد - که هست - پس اطلاق معلوم بر آن جایز نیست.

این فرهیختگان، با فرو رفتن در حجابِ نه تویی اصطلاحات و مفاهیم، تعریف و انقسامِ معلومات را به زعم خویش، تعریف علم پنداشته‌اند. غافل از آنکه، علم حقیقتی است نورانی و متمایز از «نفس آدمی»، و جدای از «صورتی که از یک شیء نزد عقل پدید می‌آید»^۱ و سوای «حضور معلوم نزد عالم»^۲.

حقیقت علم، غیر از معلوم^۳ است و هر معلومی به برکت نور علم، منور و معلوم می‌گردد. چه؛ عالم و معلوم، در حقیقت و به حسب ذات و ماهیت خود، تاریک و مجهول هستند و ممکن نیست که از انضمام دو چیز مظلم و تاریک، نوریت و علم پدیدار شود.

امام صادق (علیه السلام) در بخشی از بیان نورانی خود به «عنوان بصری» متذکر این معنی شده‌اند که

لَيْسَ الْعِلْمُ الْمَعْلُومَ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَن يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ، فَإِنْ أَرَاتِ الْعَالِمَ فَاطْلُبْ أَوَّلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ، وَ اطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ، وَ اسْتَمِعْهُمُ اللَّهَ يَقُولُ^۴.

علم به آموختن نیست. همانا، جز این نیست که علم نوری است که خداوند تبارک و تعالی، در قلب کسی که اراده هدایتش را نموده است، وارد می‌سازد. پس اگر خواهان علم هستی، نخست باید در سمیر خود، «حقیقت بندگی» را طلب نمایی و با عمل کردن به علم، طالب سم نامی را از خداوند طلب فهم نمایی تا به تو بفهماند.

در حدیث مذکور، شرایط و آدابی در راستای دستیابی به «نور علم» بیان شده است. زیرا بنا بر سنت جاری - و نه حتمیّه - الهی، روح پلید و جان ناپاک، پذیرا و آشیانه علم الهی نخواهد بود.

۲. علم حضوری.

۱. علم حصولی.

۳. معلوم به آن ذات ظلمانی گفته می‌شود که به نور علم، مکشوف یا منکشف می‌گردد.

۴. بحارالانوار؛ ج ۱، ص ۲۲۴.

بی‌تردید، فراگیری آداب تعلیم و تعلّم، و مراعاتِ حرمت و منزلتِ علم و عالم، نقش بسزایی در مسیر دستیابی به تهذیب نفس، تکامل اخلاقی، نورِ علم و مقامِ قرب و رضوانِ الهی دارد.

از این رو، «اولیای الهی در مقام عبودیت و بندگی و کسبِ علم و آگاهی، چندان که دل و جانشان، صفا و طهارت می‌یابد و منشأ آثار و برکات می‌شود، سیرت و رفتارشان نیز آموزنده و انگیزنده است»^۱.

مطالعه و کاوش در ساحت‌های شخصیتی عالمانِ ربّانی، و گشودن راز تعالی و موفقیت آنان، که پیامد آن الگو شدن و تکیه‌گاهی در اخذ ارزش‌ها، صفات و خصلت‌های پندیده و درخشان می‌باشد، در شمار تأثیرگذارترین و مبارک‌ترین شیوه‌های تربیتی و علمی و کاتبِ الهی و بشری قلمداد شده است.

اگرچه سیره علمیّ سَنّات، به خصوص - در جوامع دینی فرهنگی، چنین بوده که مرزبانانِ خدا ترس، «مالح» اخلاص و آخرت‌باورِ حریمِ قرآن و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) نه تنها در حیاتِ خویش، «اعادی اجازه معرفّی، تحسین و تمجید و ثناگویی... از خود رانمی‌دادند که در مسیر و سلوکِ زندگی آنان، پرهیز از اشتها و دوری جستن از چهره شدن و زیانزد خاصّ عام کشتن، مشهود و از ویژگی‌های بارز ایشان بشمار رفته است.

چه؛ همانان نیک می‌دانستند و دریافتند که نفسِ ادنی‌ها ماره در معرضِ شدیدترین هجمه‌ها و وسوسِ شیطانی از درون و بیرون است. بزرگانی از تبارِ علم و ادب با تمسّک به قرآن و عترت، در این زمینه، کتاب‌ها

۱. سیره آموزشی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

۲. از جمله عالمانِ ربّانی و محمود - خدایش رحمت کند - که آینه‌دار ولایتِ عظمای مهدوی (عج) بود، و با قلبی مملو از مهر او، عمر خود را با سوز انتظار در خدمت به دین صرف کرد؛ به منظور احیاء، ترویج و نشر حقایق قرآن کریم و معارف اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) با تکیه بر علوم خاندانِ وحی و تسلّط در معارف و حیانی و دقّت فوق‌العاده، به تهذیب و تعلیم تربیت یافتگانی بصیر و مخلص دست یازید که شاکله این نوشتار به روایت آنان، وام‌دار تشعّش معنوی و بارقه اخلاقی آن فقیه وارسته و خلیق می‌باشد.

و رسائلی مشحون از اخبار و احادیث اهل بیت علیهم السلام فراهم آورده و مطالب شایان توجهی را برای تمامی قشرهای دست اندرکار دانش، معرفت و بصیرت دینی، تدوین نموده‌اند؛ به گونه‌ای که پویندگان آن وادی بتوانند عوامل جذب و دفع توفیق در کسب علم و دانش را شناسایی کرده، و در پرتو عمل به مضامین و آداب ارائه شده، به هدف والای علمی خویش، یعنی «قرب به خداوند متعال و تحصیل رضای او»، دست یابند.

دریه^{۱۱} که بسیاری از این آداب - همچون دیگر آداب و حرمت‌های از یاد رفته - مه‌بور و متروک مانده است. لذا برخی از دانشوران فراموش کرده‌اند که طلب حقائق، بر سه رهان ترکیه دل و پاک نگه داشتن آن، میسر نیست. پس بایست است که هر علم‌آموزی پیش از گام نهادن در این وادی خطیر و خجسته، وصیت حکیمانه و گران سنگ امیرمؤمنان علیه السلام را نصب العین خویش قرار دهد تا به مدد گوهری ناب، ناشفته آن، از سر درگمی رهیده و در مسیر هدایت سلوک نماید. اینک، به عبارتی از آن وصیت، اشارتی گذرا خواهیم داشت:

وَاعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ أَحَبَّ مَا أَنْتَ أَخِذُ بِهِ إِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللَّهِ وَالاِقْتِصَارُ عَلَى مَا قَرَضَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، وَالاِخْتِصَارُ عَلَى مَا عَلَّمَنِي عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ مِنْ آبَائِكَ وَ الصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ، فَإِنَّهُمْ لَمْ يَدْعُوا أَنْ نَنْظُرُوا لَأَنْفُسِهِمْ كَمَا أَنْتَ نَاطِرٌ وَ فَكَّرُوا كَمَا أَنْتَ مُفَكِّرٌ ثُمَّ رَدَّاهُمْ آخِرُ ذَلِكَ إِلَى اخْتِصَارِ قُلُوبِهِمْ وَ الْإِمْسَاكِ عَمَّا لَمْ يُكَلِّفُوا فَإِنَّ أَبْتَ نَفْسُكَ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ دُونَ أَنْ تَعْلَمَ كَمَا عَلَّمْنَا فَلْيَكُنْ طَلَبُكَ ذَلِكَ بَتَّفَهُمْ وَ تَعْلَمَ لَا يَتَوَرَّطِ الشُّبُهَاتِ وَ عُلُوِّ الْخُصُومَاتِ.

و بدان پسر من! آنچه بیشتر دوست دارم از وصیتم به کار بندی، تقوا و پروای از خداست و بر آنچه بر تو واجب داشته بسنده کردن، و رفتن به راهی که پدران پیمودند و پارسایان خاندانت بر آن راه بودند. چه؛ آنان از نگرستن در جان خویش باز نایستادند همچنان که تو می‌نگری، و نه از اندیشیدن همچنان که تو

می‌اندیشی، و انجام کار چنانشان کرد که آنچه را آنان شناختند اینان به کار بستند، و از بند آنچه آنان بر عهده نگرفتند دست شستند؛ و اگر پذیرای راه و رسم پیشینیان نیستی و خود خواستار آگاهی و تجربه مستقلی، باید همه تلاش تو در کسب فهم درست و آموختن باشد و به هر پایه سستی تکیه نکنی، و در تاریک روشن شبهه‌ها، گام بر نداری و از ستیزه و جدال بیرهیزی...

نکته مهم دیگری که در این راستا باید متذکر شد، و از جمله وظایف هر دانش‌پرو و طالب علم می‌باشد؛ شناخت جغرافیای زمان و مکان، و آگاهی از جریان‌های نگرانی و نگرانی‌های جهان معاصر است.

امام صادق علیه السلام از بیانی نورانی خود به مفضل بن عمر می‌فرماید:

وَالْعَالَمُ بِزَمَانٍ تَهْتَكُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ^۱

کسی که به [احوال] زمانه خود آگاه باشد، اشتباهات بر او هجوم نیارد.

«در دین اسلام، شناخت زمان و جریان‌های زمان، جزو مقومات شخصیت مؤمن است. مرحوم شیخ طوسی^۲ در آغاز کتاب «تلخیص الشافی» اشاره می‌کند به اینکه عالمان بزرگ شیعه، همواره به تجهیزات فکری زمان مسلح بوده‌اند، و چگونگی زمان و افکار مردم زمان و جریان‌های زمان را می‌شناخته‌اند و طبیعت عصر و اقتضای زمان را در انتخاب شیوه استدلال و داده دلیل، اصل می‌دانسته‌اند؛

كَانَ شَيْؤُنَا - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - الْمُتَقَدِّمُونَ مِنْهُمْ وَ الْمُتَأَخِّرُونَ... بَلَّغُوا النَّهَايَةَ الْقُصْوَى، فِي اسْتِقْصَاءِ مَا اقْتَضَتْ أَرْمَنَتُهُم مِّنَ الْأَدِلَّةِ وَ الْكَلَامِ عَلَى الْمُخَالِفِينَ، فَإِنَّهُ قَدْ تَجَدَّدَ مِنْ شُبُهَاتِ الْقَوْمِ مَا يَحْتَاجُ مَعَهَا إِلَى تَرْتِيبَاتٍ أُخَر...

۱. اصول کافی؛ ج ۱، کتاب العقل و الجهل، ح ۲۹.

۲. شیخ الطایفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، درگذشته سال ۴۶۰ هجری قمری، و بنیانگذار حوزه علمی نجف اشرف، عظمت وی به اندازه‌ای بوده است که تا حدود ۱۵۰ سال پس از درگذشت او، عالمان شیعه دست از اجتهاد برداشتند و به فتاوی و اقوال او عمل کردند.

علمای بزرگ ما - خدای آنان را در بی‌کران رحمت خویش غرق سازد - چه آنان که در قدیم بوده‌اند و چه آنان که سپس آمده‌اند، همه دربارهٔ پیدا کردن دلیل‌های زمان‌پسند و آنچه طبیعتِ زمان اقتضا می‌کرده است تا نهایت درجهٔ ممکن کوشیده‌اند و پیش تاخته‌اند، و در برابر دیگران موضع آگاهانه داشته‌اند. چون همواره شبهه‌ها و مسائل تازه‌ای القا می‌شده است، از این رو آنان نیز آگاهی‌ها و دلیل‌های تازه‌ای - برای حَقَّائِبِ حق - عرضه می‌کرده‌اند...»^۱

از جماع عالم‌ان ربّانی و آگاه به زمان، که در قرن دهم - ۹۱۱ تا ۹۶۶ هـ.ق - می‌زیست و در استانبول به شهادت رسید، علامهٔ کبیر و مجاهد نَسْتوه شیعی، جناب شیخ بن الّین بن علی بن احمد عاملی جَبَعی^۲، معروف به «شهید ثانی» است.

کتاب «مُنیة المُرید فی ادب المُفید و المُستفید» از جمله آثار ماندگار و گران‌سنگ وی می‌باشد. از مَکَرَر، در اوج شکوفایی علمی مؤلف، در سال ۹۵۴ هجری، یعنی یازده سال پیش از شهادت وی نگاشته شده است. این کتاب یکی از مفصل‌ترین و جامع‌ترین کتاب‌ها دربارهٔ ارزش علم و آداب تعلیم و تربیت و دانش‌اندوزی است که گذشت قرن‌ها تا به امروز، همواره مورد توجه و عنایت ویژهٔ بسیاری از فرهیختگان، نشریان و اساتید حوزه‌های علمیّه می‌باشد.

نوشتاری که پیش روی شما خوانندهٔ ارجمند قرار دارد، بهی است برگرفته

۱. شیخ آقا بزرگ تهرانی؛ صفحهٔ نوزده، چاپ دوم ۱۳۵۵، نشر فجر.

۲. علامه شیخ عبدالحسین امینی - درود خدا بر او باد - دربارهٔ شخصیت شهید ثانی در کتاب «شهداء الفضیلة» چنین نگاشته است: ... شهید ثانی از بزرگترین خسَنات و عطایای روزگار، و سرشارترین بحر مواج علم، و زیور دین و آئین اسلام، و استاد فقهای سترگ، ... است. درود خدا بر او باد. خدایی که از میان نعمت‌های وافرش، چنین نعمتی والا را بر خلق ارزانی داشته و او نیز به نوبهٔ خود، کَرَم و احسان خود را به مردم افاضه نموده و دانش‌های توفیق‌آفرین و رهایی‌بخش و علمی که نیاز جامعه را برآورده می‌سازد، در میان امت رواج داده و بدان‌ها رونق بخشیده است... (آداب تعلیم و تعلّم در اسلام، ص ۲۷، چاپ نوزدهم).

از اقیانوس زخار معارف الهی، پیرامون «نورانیت و قدسیّت علم» و «آداب آن»؛
یعنی نعمتی گران‌بها تر از دُرّ و زیباتر از هر زیبایی.

باشد تا همگان با شوقی فزون از حدّ، در اشتیاق بهره‌مندی از نور علم، نفس
خود را در معرض تابش انوار تابناک و شمیم فرح‌زای آن قرار دهند و در
دستیابی و نشانیدن کمالات مقدر در جان و روان، تلاش برای سعادت ابدی را
پیشۀ خود سازند.

اینک گزیده‌ای موجز و کوتاه از مرتبت علم، آداب، وظائف و مسئولیت‌های
دانش‌پرویی، فراهم می‌گردد تا با رعایت و به‌کارگیری آن، جان و دل، شایسته و
مشمول تفضل «يَقْضِ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ» شود و به نور علم منور گردد.